

زیر آسمان فیر وزیای

علیرضا تابش در مراسم رونمایی از پوستر جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان:

رؤیای کودکان سیل‌زده را بسازیم

● **گروه هنر:** آیین رونمایی از پوستر سی‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان با طراحی حمیدرضا بیدقی و رونمایی از پوستر سومین المپیاد فیلم‌سازی نوجوانان کشور با طراحی فرشید مثقالی عصر سه‌شنبه هشتم مرداد ۹۸ در میدان تاریخی امام‌خمینی(ره) اصفهان، سرد بازار قیصریه برگزار شد.

ادای احترام جشنواره به سیل‌زدگان

علیرضا تابش، دبیر جشنواره پیش از آغاز مراسم رونمایی از پوستر جشنواره از موزه عمارت بین‌المللی قیصریه بازدید به عمل آورد.

اصفهان، جعفری مدیر هنری ارشاد اصفهان، مدیران شهری و هنرمندان سینما و تلویزیون اصفهان، حبیب ایلی‌بیگی، مدیر بخش المپیاد جشنواره، مسعود احمدیان مدیر اجرایی جشنواره و خانواده‌های شهدا برگزار شد، تابش در ابتدا ضمن خیرمقدم به حاضران گفت: «خوشحالمیم که جشنواره امسال با ایام مبارک عید غدیر هم‌زمان شده و به همین مناسبت در ستاد جشنواره و شهرداری اصفهان تصمیم گرفتیم این دوره با تمهیداتی خاص برگزار شود».

او ادامه داد: «شعار امسال جشنواره «رؤیای کودکان سیل‌زده را بسازیم» شد و در این راستا تلاش‌مان این است در فضای همدلی و همکاری با هنرمندان برنامه‌های متنوعی را ساماندهی کنیم که نمایش فیلم با «سینماسیار» از سوی انجمن سینمای جوانان ایران هم‌زمان با جشنواره، در مناطق سیل‌زده و برای کودکان سیل‌زده، یکی از آنهاست».



دبیر جشنواره افزود: «همچنین نمایشگاه عکس کودکان مناطق سیل‌زده در جشنواره امسال برپا خواهد شد، فراتر از این اقدامات، برنامه‌هایی که منجر به جمع‌آوری کمک‌های مالی به مردم مناطق سیل‌زده شود، هم‌زمان با جشنواره در دستور کار شهرداری اصفهان قرار گرفته است. ساختن رؤیای کودکان سیل‌زده و فراهم‌ایی برامید و نشاط برای آنان در گرو همدلی امروز مردم برای زدودن رنج‌های آنان است و امیدواریم با حسن همکاری جامعه هنری و عوامل جشنواره بتوانیم از این ظرفیت به سود صلح و بشردوستی استفاده کنیم».

اصفهان: قطب‌خلاقیت سینمای کودک

تابش با تأکید بر اهمیت این جشنواره اظهار کرد: «مخاطبان این جشنواره کودکان و نوجوانان و خانواده‌هایشان هستند و این رویداد آبروی ایران و اصفهان در عرصه بین‌المللی و سینماست. تلاش‌ها و حمایت‌های شهرداری اصفهان از این جشنواره قابل تقدیر است. اصفهان با توجه به مقیاس‌های بین‌المللی ظرفیت خوبی برای برگزاری رویدادهای بزرگ نظیر جشنواره فیلم کودک دارد و می‌تواند «قطب خلاقیت سینمای کودک و نوجوان» در ایران باشد». دبیر جشنواره درادامه گفت: «دیده‌شدن نشاط و فانتزی کودکان، اشاره به جهانی‌بودن جشنواره، ایرانی و امروزی بودن گرافیک پوستر و نشانه‌هایی از شهر میزبان جشنواره یعنی اصفهان، از جمله نکات و مواردی است که در طراحی پوستر جشنواره مدنظر بود و وقتی به گرافیت‌های متعددی مراجعه کردیم، بر این نکات تأکید شد. بعد از اجرای ده‌ها اتود اولیه، سرانجام بر سربکی از اتودهای آقای حمیدرضا بیدقی که خصوصیات و شرایط جشنواره را داشت، توافق صورت گرفت».تابش تشریح کرد: «فانتزی و شاد بودن و اشاره به جهان کودکان، جهانی‌بودن (اشاره به پنج قاره یا پنج حلقه المپیک)، اشاره به اصفهان (استفاده از نقوش سقف مسجد شیخ‌لطف‌الله و نقوش چاپ باتیک)، وفاداری به سنت‌های نگارگری ایرانی در نحوه ارائه سربکیتوی و ساخت‌وساز صورت‌ها، تمثیل سینمایی تماشای تصویر از یک روزن، آسمان لاجوردین و زمین آخراعی رنگ اصفهان و ایران نکاتی است که در پوستر جشنواره مد نظر طراح قرار گرفته. درصحتی که با استاد فرشید مثقالی داشتیم درباره پوستر المپیاد فیلم‌سازی نوجوانان معتقد بودند هنگامی که بچه‌ها را موقع نگاه‌کردن به تلویزیون و یا فیلم در سینما تماشا می‌کنیم، یکی از اعجاب‌آورترین نکته‌ها، غرق‌شدن هیپنوتیزم‌وار آنها در فیلم است. مثل اینکه تمام دنیا را فراموش می‌کنند و عمیقاً در فیلم فرو می‌روند».

تنوع فیلم‌های بین‌الملل در جشنواره امسال

تابش در بخش دیگری از این مراسم گفت: «در بخش «بین‌الملل» امسال تنوع زیادی ایجاد شده و علاوه بر فیلم‌های آسیایی، فیلم‌های اروپایی و تولید مشترک نیز خواهیم داشت.امسال نگاهی به سینمای کشورهایی همسایه نیز خواهیم داشت، به همین منظور بخش جنبی «طیّوح تفلّیس» از کشور گرجستان و مرور فیلم‌های تاتارستان هم از دیگر بخش‌های جنبی بخش «بین‌الملل» جشنواره سی‌ودوم است. تلاش کردیم فعالان سینمایی شهرهای خواهرخوانده اصفهان را شناسایی و به جشنواره دعوت کنیم.

● **شما سومین وزیر در حوزه فرهنگ و اولین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بودید. بعد از گذشت سال‌ها، نگاهتان به تفکرات فرهنگی برآمده از اندیشه‌های حاکم بر جمهوری اسلامی چیست؟ وضعیت فعلی فرهنگ کشور را چطور تحلیل می‌کنید؟**

پیامد هر حرفی در این زمینه ممکن است سوتفاهم‌هایی –یا برداشتی نادرست– باشد. مخصوصاً امروز که فضای کشور بیش از هر چیز احتیاج به آرامش دارد و باید در اندیشه اتحاد مردم باشیم. تصور نمی‌کنم با سخن از برداشت‌هایم به چنین نتیجه‌ای برسیم! چنان‌که مشکلی را هم حل نخواهد کرد! یکی از مشکلات در کشور این است که حرف بسیار است؛ اما کمتر حرف‌ها مثبت و سازنده‌اند!

● **ما به‌واژه «سوتفاهم» اشاره کردید: به نظر شما علت این سوتفاهم چیست؟**

هر حرفی را چندان مفید نمی‌دانم! در این جامعه گوش‌ها پر از حرف‌های ناراحت‌کننده است. با افزودن یک حرف دیگر به این حرف‌ها نه‌تنها مشکلی حل نمی‌شود، بلکه مرهمی هم بر زخمی نیست. یک جای کار ما گیر دارد. حرفم این است: اگر حرفی هم مفید باشد، منشأ اثر نیست؛ از این گوش شنیده و از گوش دیگر خارج می‌شود و نه‌تنها مفید نیست، بلکه به هیاهو دامن می‌زند. پس چه بهتر با کمتر حرف‌زدن فرهنگ‌مان تقویت شود!

● **آقای معادیخواه، واقعیت این است که شما سال‌ها کارهای پژوهشی در زمینه تاریخ اسلام انجام داده‌اید و تألیفاتی هم دارید. همچنین مسئولیت بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران را –پس از وزارت تا امروز– عهده‌دار هستید. حتماً خیلی از مسائل را دنبال می‌کنید؛ اما به نظر می‌رسد مصلحتی را بر هر چیز دیگری ترجیح می‌دهید. به نظر‌تان این مصلحت تاکی باید ادامه پیدا کند؟**

من به‌خطر مصلحت‌اندیشی این حرف‌ها را نمی‌زنم.

● **می‌خواهید حرفی بزنید که دعوا راه بیفتد؟**

از ویژگی‌هایی که «قرآن» در وصف مؤمنان بیان می‌کند، یکی این است که از هر چه لغو است روگردان؛ یعنی در حرفی که می‌زند و قدمی که برمی‌دارند باید فایده‌ای باشد. امروز انباشته‌شدن این حرف‌ها خسته‌کننده است!

● **ما به نظر شما «نقد» و «گفتمان نقادانه» چه جایگاهی دارد؟**

در تاریخ مطبوعات ما تاکنون کمتر شاهد نقدهای سودمندی بوده‌ایم؛ بیشتر با چیزی شبیه هیاهو روبه‌رو شده‌ایم. امروز هیاهو هم تاریخ‌مصرفش گذشته است.

● **برگردیم به روزهای اول پیروزی انقلاب که شما وزیر شدید. شما نخستین وزیر جمهوری اسلامی ایران بودید که حوزه فرهنگ و هنر را از وزارت وقت علوم جدا و ساختار تازه‌ای را برای فرهنگ و هنر کشور ترسیم کردید. چگونه به این نتیجه رسیدید؟**

پیش از انقلاب وزارتخانه‌ای به اسم «فرهنگ و هنر» داشتیم که در «شورای انقلاب» –با نمونه‌ای از تصمیم‌های شتاب‌زده– یکی از زیرمجموعه‌های «وزارت علوم» شد. درگفت‌وگویی با شهید باهنر، او پذیرفت این اشتباه را تصحیح کند و نه‌ادی به فرهنگ و هنر اختصاص یابد.

● **ما در واقع آن‌موقع وزارت ارشاد همان «وزارت اطلاعات و جهانگردی» سابق بود که یک مقطعی داریوش همایون وزیر آن بود؟**

نمی‌دانم با چه تلقی و دریافتی از «وزارت اطلاعات و جهانگردی» نام آن را به «ارشاد» تغییر دادند. همه می‌دانیم پیشنهاد نام ارشاد هم‌زمان با سپرده‌شدن آن به «ناصر میناچی» بود. در شایعه‌هایی از حسینه ارشاد هم یاد می‌شد، خدا رحمتش کند.

● **اصلا دلیل نام‌گذاری مجدد این وزارتخانه چه بود؟ در آن روز‌ها که در این وزارتخانه بودم، بیشتر درگیر اشتباهی بودم که –در عمل– نیاز به تصحیح داشت. فکر نمی‌کنم در انتخاب نام «ارشاد» ایدئولوژی نقش داشته. به‌نظرم جاذبه نام ارشاد با تعلق‌های عاطفی آقای میناچی –اولین وزیر ارشاد پس از انقلاب– بی‌ارتباط نبود! در شایعه‌ها هم سخن از «حسینه ارشاد» بود که می‌توان گفت بی‌پایه هم نبود!**

● **درحالی‌که امروز بیشتر تداعی‌کننده چیزی مثل «گشت ارشاد» یا «ارشادکردن هنرمندان» است، چنانچه در زمان وزارت آقای مهاجرانی به مجلس پیشنهاد شد عنوان «ارشاد» را از فرهنگ حذف کنند؛ چون محلی از اعراب ندارد که البته از سوی نمایندگان غائله‌ای ایجاد و در نهایت موضوع منتهی شد!**

بیش از این نمی‌گویم که این نام را –بر اساس ادغام فرهنگ و هنر– نمی‌پسندم. در اولین برنامه‌های هم که به مجلس داده شد، با نام «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» بود که همخوانی آن را با حوزه‌های مسئولیت وزارتخانه بیشتر می‌دیدم. طرفه آنکه وزیر علوم بی‌اعتنا به شاخه‌های فرهنگ و هنر آن همه را در یک معاونت پیچیده و در تالار رودکی سابق متمرکز کرده بود که باید به نهاد مناسبی بازمی‌گشت که بیش از این به موافقت شهید باهنر اشاره شد. آن جراحی با سرعتی انجام شد که امروز دور از باور است! هم‌زمان با تقدیم برنامه برای گرفتن رای اعتماد به مجلس، بر تارک آن نام «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» را نشاندیم و یادآوری این نکته خالی از لطف نیست که از مجلسی‌های آن روز یکی نگفت: چرا نام وزارتخانه تغییر کرده است!

● **آن‌موقع مأموریت وزارتخانه چه بود؟**

تا آن زمان در وظایفی که برای وزارت تعریف می‌شد، از «فرهنگ و هنر» حرفی نبود و ابزار آن در اختیار «تالار رودکی» بود که زانده‌ای برای وزارت علوم به نظر می‌رسید؛ در برنامه‌ای که به مجلس دادم، هنر سینمایی در محور عمده‌ای بود و اگر روزی کاری تحقیقی در زمینه

هنر

گفت‌وگو با عبدالمجید معادیخواه، سومین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

آقای وزیر در روزگار «برزخی‌ها»



عکس: سهند تاجی، شرق



فرانک آرتا

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بدون شک یکی از مهم‌ترین وزارتخانه‌های کشور است. از این نظر که اساساً انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» در جهان مطرح شد. با محوریت این نگاه و در روزهایی که انقلاب وارد ۴۰سالگی خود شده است، بررسی دستاوردها و تحلیل تجربیاتی که در این سال‌ها صورت گرفته ،نه‌تنها مهم بلکه ضروری به نظر می‌رسد. در فرهنگ اسلامی–ملی ما ایرانی‌ها، ۴۰، عدد مقدسی است؛ از یختگی و ثبات حکایت می‌کند. با این محتوا، قصد کرده‌ایم سراغ مدیران و مسئولان ارشد فرهنگی و هنری‌ای که در تصمیم‌گیری‌ها و در چارچوب اختیارات قانونی خود– نقش عمده‌ای بازی کرده‌اند، برویم. هرچند دسترسی به هریک از آنها به‌سادگی میسر نبوده و نیست!با این حال آبان‌ماه ۱۳۹۶ با مهندس عزت‌الله ضرعامی و در پایان سال ۱۳۹۷ با دکتر محمد سرافراز –رؤسای اسبق و سابق سازمان صداوسیما– گفت‌وگوی مفصلی انجام دادیم. اکنون هم در بخش بررسی عملکرد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از عبدالمجید

سرگذشت سینما انجام شود، جای این پرسش است که حتی یکی از نمایندگان مجلس نپرسید: چرا شما اسم این وزارتخانه را دست‌کاری کرده‌اید و به‌جای وزارت ارشاد نوشته‌اید: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»؟! با این نگاه سکوت مجلس را می‌شد موافقت به حساب آورد و گفت: وزارتخانه با این مأموریت جدید مورد تأیید است!

● **نمایندگان روی «سینما» حساسیت نشان دادند؟**

هیچ نماینده‌ای سوآلی به نام جدید در این برنامه هم نداشت. اگر مذاکرات مربوط به رای اعتماد مجلس اول شورای اسلامی به دولت شهید باهنر را بخوانید، جای پرسش‌هایی است که می‌توان با آن فصول را در زمینه تاریخ فرهنگ و هنر– با نگاهی معطوف به سینما –شود! ● **البنه مجلس اول شورای اسلامی موقعیت ویژه‌ای داشت و کلا نگاه‌های متکثری در آن حاکم بود. با این رویکرد موضوع فرهنگ و هنر برای آنها مهم نبود؟ نکته مهم همین است که سینما در مقایسه با مسائل و مشکلات فراوان کشور در اولویت نبود. صنف‌بندی سیاسی هم اجازه نمی‌داد که کسی به سینما – به‌اصطلاح رایج در فرهنگ کوجه– بگوید: «خرت به جن»؟! ●**

● **دوره وزارت شما هم کوتاه بود. با این‌حال در دوره حساسی وارد وزارتخانه شدید. شرایط حاکم بر وزارتخانه چگونه بود؟**

به نکته مهمی اشاره کردید. وقتی وارد وزارتخانه شدم؛ در این وزارتخانه «آن ذره که به حساب نمی‌آمد» بود و حساسیتی را برنمی‌انگیخت! ادبی اما نگذشت که ورق برگشت! امروز سخن از سرگذشت و سرنوشت آن آسان نیست. اگر بخواهم با اشاره به نمونه‌ای این واقعیت را روشن کنم که – در وضع موجود – بازخوانی گذشته دشوار است، جای این پرسش است: آیا این رفتاری طبیعی بود که در همان دوران کوتاه– قزون بر یک سال –هیچ‌کدام از مدیران و معاونان آن وزارتخانه آن را نتوان نکردند؟ چرا به حفظ آنان اصرار داشتیم که ثباتی را در بدنه مدیریت به نمایش بگذارم و فضای فرهنگ و هنر از تشنجات دور بماند.

● **آن‌موقع چه نگاهی به فرهنگ و هنر وجود داشت؟ مخصوصاً آقای باهنر که شما را به‌عنوان وزیر انتخاب کرد…**

نمی‌خواهم این گفت‌وگو بر شائبه شخصی‌کردن مسائل سایه بیندازد. تصور من اما این است که دوره کوتاهی که این امانت به من سپرده شد ویژگی‌هایی داشت و تفاوتی با روزهای بعد و امروز.

● **شما در دوره‌ای سعی می‌کردید معتدل عمل کنید. اما تندروها مسیر دیگری را رقم زدند…**

داوری‌هایی از این دست مشکل است و به آسانی نمی‌توان گفت چه کسی معتدل بوده یا نبوده؟! اما واقعیت‌هایی قابل استناد و توجه است. اینکه وزیری همه همکاران گذشته را بی‌استثنا حفظ کرده و اصرار دارم که یادآوری کنم چنین رفتاری تکرار نشده. نمی‌توانم بگویم لزوماً مثبت است؛ اما یک تفاوت پرسش‌برانگیز است: حرف من این است که چرا تا امروز چنین تجربه‌های متفاوتی از پرسش‌های رسانه‌ای نبوده است؟! بر این باورم که اگر راز این تفاوت رسانه‌ای می‌شد سرنخی بود برای آرمانی فراموش‌شده!

● **آظهار شما در زمان حضورتان نگاه سلبی نداشتید. مثلاً هنرمندان قبل از انقلاب در فیلم «برزخی‌ها» بازی کردند. اما چ‌هایی که الان اندیشه‌ورز به نظر می‌آیند در ابتدا مقابل شما بودند. چطور می‌شود شما که یک روحانی بودید از همان ابتدای انقلاب کنار گذاشته شدید؟**

اگر نگاه به همان واقعیت‌هایی باشد که جای تردیدی برای اثبات و دیدن ندارد، بهتر است. یکی از تفاوت‌هایی را که از آن دوره می‌توان دید، حفظ همه همکارانی است که از گذشته با سلیقه وزیر دیگری دعوت شده بودند. در آغاز حضور در وزارتخانه معاونت‌ها محدودتر بود. بعد از آن جراحی– بدون خون‌ریزی!– فرهنگ و هنر اضافه شد و با تغییر چارت اداری دو حوزه معاونتی جدید در آن دیده می‌شد. یکی همان معاونت سینمایی جدید بود. معاونان گذشته باقی ماندند و دعوت از دیگران فقط برای حوزه‌های دیگر بود.

● **یعنی مثل تلویزیون کارمندان «پاک‌سازی» نشدند؟**

آنچه را تجربه‌ای سودمند می‌دانم، گفت‌وگویی با مرحوم شهید باهنر است؛ بر این پایه که: یکی از ناهنجاری‌ها در مدیریت کلان کشور این است که هم‌زمان با ورود هر وزیری به وزارتخانه طبیعی است که لشکری جدید وارد و نیروهای قبلی در سطح معاونت اخراج می‌شوند. افراد تا چند روزی با حوزه‌ای آشنا و تجربه‌ای کسب می‌کنند. پیش از آنکه برای استفاده از این تجربیات فرصتی پیدا کنند، از محل کارشان بیرون می‌روند. یادمان باشد سخن از چه روزهایی است؟ روزهایی که عمر دولت‌ها کوتاه بود و نظام اداری کشور با این لشکرکشی‌های اداری در میدان اجرایی – بیش از هر چیز– به سری شباهت داشت که هر روز به سلمانی تازه‌کاری سپرده می‌شد که آن سر را سر سری می‌تراشید! چنان که از آن می‌توان قصه‌ها ساخت؛ آیا شباهت – که به ضرب‌المثل شبیه است– به یاد دارید که «سرم را سرسری متراش ای استاد سلمانی!». این زبان حال کشوری بود که انتظار می‌رفت باغ بهشت شود!

● **بله؛ البته بعد از آن زمان تا امروز زیاد شاهد عزل‌ونصب‌های اتوبوسی در وزارتخانه ارشاد بودیم!** ما پیامدهای آن را به‌شکلی از قاعه‌های مکرر سودمند باشد که سرانجام آن را بتوان نقطه‌عطفی در آن تاریخ برشمرد! متأسفانه «ابلیس کی گذاشت که ما بندگی کنیم»، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر هر دو شهید شدند. ● **چه مدت در وزارتخانه بودید؟**

چند ماهی – کمتر از یک‌سال و نیم – بیش از یک سال که زمان کوتاهی از آن را در دولت شهید باهنر بودم. بعد از ایشان دولت موقتی ایجاد شد، به مسئولیت آقای مهدوی‌کنی و همه تصمیم گرفتند حضور داشته باشند. برای آن دولت به سبب کوتاهی عمر و هزمانی آغاز آن با ۱۷ شهریور نام «دولت ۱۷ شهریور» پیشنهاد شد که خود داستانی طنزگونه دارد! یک سال در دولت مهندس موسوی بودم. به‌رحال این سرخ تجربه‌ای تکام است که اگر – رسانه‌داران – از آن سرسری نمی‌گذشتند، مدیریت کشور شاید ثبات پیدا می‌کرد یا شاید آشفته‌گی‌ها چنین نمی‌شد.

● **دست‌کم مدیریت فرهنگی کشور این‌قدر سلیقه‌ای نمی‌شد!** شرح این آشفته‌گی‌ها و به‌هم‌ریختگی‌ها بخشی از تاریخ جمهوری اسلامی ایران است. درواقع حوزه سینمایی سرشار از گفتنی‌هاست. برای اشاره شاید باید زیر لب زمزمه کرد که: «هر دم از این باغ…!».اگر بخواهم با اشاره از این تجربه‌ها چند نمونه را یادآور شوم، باید از سینمای قبل از انقلاب بگویم که در ذائقه انقلابیون منفی بود. برداشتی که از «فیلمفارسی» در جامعه – به‌ویژه در محفل روشنفکری ذاتی – مطرح می‌شد، فحشا و فسادِی زننده بودا و صحنه‌هایی را تداعی می‌کرد که با انقلاب سازگاری نداشت. در برنامه‌ای هم که به مجلس دادم، نوشتم: باید کاری کنیم که خشک و تر به آتش چند خطاکار نسوزند! برای هنرمندان رژیم گذشته هم باید میدان کار و هنرمانی ایجاد شود.

● **داده در صفحه ۱۳**

زیر درختان زیتون

معرفی دبیر و داوران مسابقه عکس پنجمین جشن عکاسان سینما



● **گروه هنر:** به گزارش روابطعمومی انجمن صنفی عکاسان سینما، علی نیک‌رفتار دبیری پنجمین دوره جشن عکاسان سینمای ایران را بر عهده دارد و همایون اسعدیان، امیر عابدی، مجید خمه، جواد جلالی و علی باقری مسابقه عکس پنجمین جشن عکاسان سینمای ایران را داوری می‌کنند. در این دوره ۱۶۸ قطعه عکس صحنه و پشت صحنه از ۱۵ عکاس به دبیرخانه ارسال شده است. در پنجمین دوره برگزاری این رویداد هنری، بر خلاف سال‌های گذشته، نمایشگاه عکس برگزار نخواهد شد و عکس‌های منتخب در قالب کتاب در روز برگزاری جشن رونمایی می‌شود. پنجمین جشن عکاسان سینمای ایران ۲۴ مردادماه برگزار می‌شود.

نمایش فیلم «کاشی هفت رنگ» در خانه هنرمندان

● **گروه هنر:** «کاشی هفت رنگ» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مینا سلیمی یکشنبه ۱۳مرداد ساعت ۱۹ در خانه هنرمندان نمایش داده می‌شود. «کاشی هفت رنگ» فیلمی تجربی و خلاقانه است با داستانی که در دو دوره صغوی و معاصر پیش می‌رود. در این فیلم از بعضی تصاویر سریال «شیخ بهایی» و «روشن‌تر از خاموشی» استفاده شده است. این فیلم برای اولین‌بار در سینمای ایران از کولاًژ برای قصه‌گویی استفاده کرده است. بداعت تکنیکی و پیچیدگی‌های دیجیتالی فیلم موجب شده تا ساخت آن قریب به چهار سال طول بکشد و فقط برای یک‌بار نمایش مجوز گرفته است. این فیلم با ایجاد شخصیت محوری یک زن «شهروزاد قصه‌گو» در تصاویری که محوریت مردانه دارند، روابط قدرت را در بعد داستان وارونه می‌کند. علاوه بر آن، با کولازِی ظریف و رئالیستی قریب سینما در جعل زمان و مکان را نمایان می‌کند.

به‌طور خاص فیلم‌های تاریخی که خواسته یا ناخواسته به عنوان واقعیت تاریخی به حافظه جمعی پیوسته‌اند، به چالش کشیده می‌شوند.



این فیلم در لوکیشن‌های مسجد شیخ لطف‌الله و کاخ عالی‌قاپو فیلم‌برداری شده است. مینا سلیمی کارگردان و نویسنده این فیلم، متولد تهران و فارغ‌التحصیل دانشگاه کلداسمیت لندن در رشته هنرهای زیاست. کاشی هفت رنگ اولین فیلم بلند اوست. مینا سلیمی در حوزه هنرهای تجسمی نیز فعالیت دارد. این فیلم‌ساز نمایشگاه‌های متعددی از مجسمه‌هایش در بریتانیا برگزار کرده است. مسعود دلخواه، مینا سلیمی، آریا توسلی، مصطفی بهشتی و آریاز ذوالفقاری در این فیلم نقش‌آفرینی می‌کنند. این فیلم همچنین با صدای ابوالحسن طحami، کاتیون اعظمی، حسین نورعلی، حمید منوچهری و امیر منوچهری روایت می‌شود. منوچهر زنده‌دل و زنده‌یاد بهرام زند، در کاشی هفت رنگ حضوری افتخاری دارند. گفتنی است، بعد از رونمایی از «کاشی هفت رنگ» در خانه هنرمندان، نشست نقد و بررسی این فیلم با حضور آرش خوشخو و حسام مقامی‌کا برگزار خواهد شد.

خلاصه داستان فیلم این چنین است: «ماهدخت نویسنده‌ای است که در نوشتن کتابی درباره عصر صفوی به مشکل برخوردده و طبق رسمی قدیمی روز سال نو را در مسجدی از همین دوره (مسجد شیخ لطف‌الله) می‌نشیند. اندک زمانی که می‌گذرد صدایی از کاشی پشت سرش می‌شود. او از طریق این کاشی به یک داستان از هزارویک‌شب دید پیدا می‌کند و روزهای دیگر را نیز از کاشی‌های دیگر می‌بیند. اما این دخل و تصرف مشکلاتی را برای کسانی که در آن دوره به‌سر می‌برند به وجود می‌آورد تا اینکه گروهی برای حراج‌گذاشتن کاشی‌ها وارد مسجد می‌شوند و ماهدخت را گرفتار منشوری از رؤیا و واقعیت می‌کنند.»